گزارش

جریمه‌های ۵۰۰ هزار تومانی برای سگ‌های ممنوعه

ادامه از صفحه ۱۰

پاک‌کردن صورت‌مسئله

این روزها با اعمال ممنوعیت‌های جدید برای حضور سگ‌ها در مکان‌های عمومی و خودروهای شخصی، بار دیگری موجی از مخالف با این شیوه برخورد به راه افتاده است. ایمان معماریان، دامپزشک، در گفت‌وگو با «شرق» این نوع از نگاه به مسئله را پاک‌کردن صورت‌مسئله می‌داند و می‌گوید: «زمانی که صورت‌مسئله را پاک می‌کنید و محبوب‌ترین حیوان خانگی دنیا را به رسمیت نمی‌شناسید و می‌گویید نباید از آن نگهداری شود، فرهنگ نگهداری از آن را آموزش نمی‌دهید؛ چون صورت‌مسئله پاک شده. کسانی که می‌خواهند نگهداری کنند نمی‌دانند چه مراقبت‌هایی لازم است و باید چه قوانینی را رعایت کنند که باعث آزار دیگران نشوند. از سوی دیگر مراقبت‌های بهداشتی سخت‌تر می‌شود. وقتی می‌گویید سگ حیوان خانگی نیست، یعنی بیرون‌آوردنش ممنوع می‌شود و نمی‌توانند به دامپزشک مراجعه کنند و مراقبت‌های دامپزشکی سخت‌تر می‌شود. به همین دلیل شانس افزایش بیماری‌ها زیاد می‌شود». هیچ حیوانی وجود ندارد که بیماری‌های مشترک با انسان نداشته باشد: «اما حیواناتی به‌عنوان حیوان خانگی در دنیا شناخته می‌شوند که بیماری‌های مشترک آنها با انسان قابل پیشگیری و کنترل باشد که به معنای مراجعه به دامپزشک، واکسیناسیون، درمان‌های مختلف، توصیه‌های غذایی و رفتارهایی است که برای کنترل بیماری‌های مشترک باید انجام شود. اگر سگ به‌عنوان معروف‌ترین و محبوب‌ترین حیوان خانگی دنیا نگهداری می‌شود، باید تحت این مراقبت‌های دامپزشکی قرار گیرد». او با انتقاد از موجی که تحت عنوان حفاظت از سلامت عمومی به راه افتاده و مدفوع سگ را کثیف و حامل بیماری می‌داند، می‌گوید: «این بهانه‌ها می‌تواند برای سگ‌های بدون صاحب و رهاشده درست باشد، چون برای آنها مراقبت‌های دامپزشکی انجام نمی‌شود، اما سگی که صاحب دارد و او فرهنگ نگهداری از حیوانش را بلد است، یعنی اگر او را بیرون می‌برد و مدفوع می‌کند، آن را جمع می‌کند و مراقبت‌های پزشکی و دامپزشکی برای او انجام می‌شود، واکسینه است، این خطرات برای این حیوان بسیار پایین‌تر و حتی می‌توان گفت صفر است». معماریان معتقد است آنچه در ایران اتفاق نمی‌افتد، «مدیریت جمعیت سگ‌ها و گربه‌های بدون صاحب» است که می‌توانند سلامت عمومی را تهدید کنند: «این ممنوعیت هم مانند بسیاری از ممنوعیت‌های دیگر، حتی کسانی را که عقیده دارند سگ نجس است نیز به خواسته‌شان نمی‌رساند. با توجه به تغییر نگرش مردم، علاقه مردم به نگهداری از محبوب‌ترین حیوان خانگی که سگ است، افزایش پیدا کرده و این موضوع با هر قانونی که تصویب شود، کم نمی‌شود». او می‌گوید کار درست در این حوزه تصویب قوانین مرتبط با نگهداری حیوانات خانگی است: «قوانینی مانند اینکه اگر می‌خواهید سگ را بیرون بیاورید، باید قلاده داشته باشد، اگر مدفوع کرد جمع کنید، سگ شما نباید نسبت به مردم پرخاشگر باشد و بقیه را آزار دهد، اینها نیازمند آموزش است. در حقیقت فرهنگ نگهداری باید آموزش داده شود، نه اینکه ممنوعیت نگهداری وجود داشته باشد».

جرئت‌های از دست رفته برای سیاست‌گذاری

پژوهشگران حوزه شهری بارها اعلام کرده‌اند که شهر، ملک مشاع همه شهروندان است و ساکنان با رعایت مجموعه‌ای از قوانین می‌پذیرند به شکل اشتراکی کنار هم زندگی کنند. نفیسه آزاد، پژوهشگر جامعه‌شناسی شهری، در گفت‌وگو با «شرق» درباره ممنوعیت‌های اخیر می‌گوید: «تاریخ مدیریت شهری و سیاست‌گذاری ما، انباشت ممنوعیت‌های بی‌اثر است. واقعیت این است که ما درباره نگهداری حیوانات خانگی در شهر نیازمند تنظیمات قانونی هستیم. زمانی که آن را ممنوع می‌کنید، تنظیمات قانونی هم اتفاق نمی‌افتد. شکل درست سیاست‌گذاری، تنظیم مقررات است. لازمه این شکل، به رسمیت شناختن است. ما باید بپذیریم که حیوانات خانگی وجود دارند و پس از آن باید به شکلی سیاست‌گذاری شود که حق هیچ‌کس ضایع نشود». آزاد بر این باور است که ممنوعیت، زندگی آدم‌ها را تغییر نمی‌دهد، بلکه جامعه شهری را از تنظیمات درست و قانون‌گذاری که براساس آن کسی آسیب نبیند، محروم می‌کند: «مسئله در مورد حیوانات خانگی هم این است، باید قانون‌گذاری‌های درستی وجود داشته باشد، همان‌طور که در همه شهرهای جهان وجود دارد. آنها تلاش می‌کنند به شکلی تنظیم‌گری کنند که ساکنان شهر چه خودشان حیوان خانگی دارند و چه ندارند، آسیبی نمی‌بینند. فرمان ممنوعیت نه‌تنها تغییری در وضعیت نمی‌دهد، بلکه آسیب را روزبه‌روز بیشتر می‌کند. مردم با فرمان ممنوعیت، سگ‌هایشان را نمی‌کشند». پیش‌تر ممنوعیت‌های مشابهی در موضوعات دیگری هم که به انتخاب سبک جدید زندگی از سوی شهروندان برمی‌گردد، اعمال شده بود مانند ممنوعیت ماهواره، اما نتیجه آن چیزی نبوده که مخالفان انتظار داشتند. آزاد می‌گوید سیاست‌گذار جرئت تصمیم‌سازی و تنظیم‌گری را از دست داده و همه چیز را مقابله‌ای می‌بیند: «تغییر، یک توان و قابلیت است که وقتی مدیریت شهر کلانی مانند تهران را بر عهده دارید، باید بتوانید تنوع را تنظیم‌گری کنید و مدارا را توسعه دهید. نگاهی که در همه حوزه‌های سیاست‌گذاری وجود دارد، ممنوع‌کردن، مسدودکردن و بستن است. در حالی که جامعه در حال تغییر است و درک این تغییر و تنظیم‌گری آن نیاز به یک توانی دارد. همگام‌شدن با تغییر و سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری برای آن نیاز به توانی دارد که سیاست‌گذار ما آن را کنار گذاشته و نمی‌تواند با آن روبه‌رو شود». به گفته آزاد اگر فرض پشت این ممنوعیت این است که می‌شود مانند پادگان بخش‌نامه ممنوعیت داد و تصور کرد بعد از آن همه دیگر آن کار را انجام نمی‌دهند، این درکی عجیب از جامعه است: «جامعه این کار را نمی‌کند، همان‌طور که در حوزه‌های مختلف پیش از این، این نوع سیاست‌گذاری اتفاق افتاده و تجربه شده و دیدیم نتایج آنها چه بوده است. این خیلی بد است که شهری مانند تهران در حوزه حیوانات خانگی تنظیم‌گری ندارد و این مسئله خودش آسیب است. کسی نمی‌داند قانون چیست. اگر سگی در خیابان فردی را بترساند یا در جایی که نباید مدفوع کند و صاحبش آن را جمع نکند، ما جایی برای پیگیری آن نداریم و حکم ممنوعیت این مسئله را حل نمی‌کند».

فقر و نابرابری‌های اجتماعی در داستان‌های ابراهیم رهبر

ابراهیم رهبر و ادبیات اقلیمی شمال

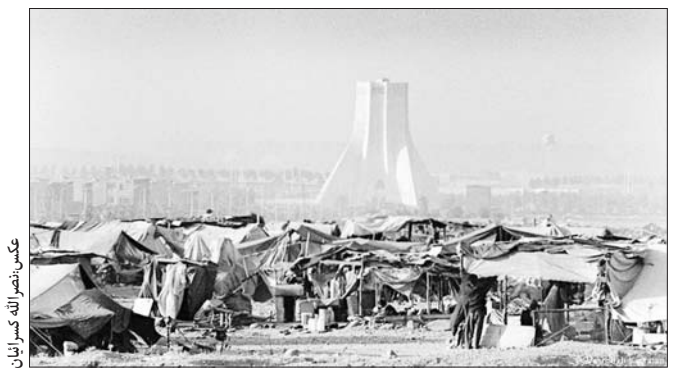
عکس: نصرالله کسرائیان

پیام حیدرقزوینی

از میان نویسندگانی که در «بازار، ویژه هنر و ادبیات» می‌نوشتند، ابراهیم رهبر که اردیبهشت‌ماه امسال درگذشت، یکی از معدود داستان‌نویسانی بود که بعدتر به شهرت رسید. رهبر در سال ۱۳۱۷ متولد شده بود و با همان داستان‌های اولیه‌اش بارقه‌هایی از ظهور داستان‌نویسی ماهر نشان داد. رهبر در شهر صومعه‌سرا متولد شد و پس از تحصیلات متوسطه برای ادامه تحصیل در دانشگاه و در رشته زمین‌شناسی وارد دانشگاه تهران شد. او هم‌زمان با تحصیل به‌عنوان معلم مشغول به کار شد و یکی از نویسندگانی بود که اولین داستان‌هایش را در سال‌های دهه ۴۰ در نشریات مختلف نظیر «سخن»، «آرش»، «نگین» و «هنر و اندیشه» منتشر کرد.

داستان «مرغزار» که در سال ۱۳۴۳ در «طرفه» منتشر شد، نقطه شروع کار رهبر بود. او در این داستان، به سراغ مضمونی رفته است که در آثار دیگر نویسندگان ادبیات اقلیمی شمال هم دیده می‌شود. حسن میرعابدینی در «صد سال داستان‌نویسی ایران»، پرداختن به واقعیت زندگی روستایی، تلاش ماهیگیران برای بقا و مقابله با سیستم استثماری حاکم در قالب درگیری با گشتی‌های شیلات و مسائل تاریخی نهضت جنگل را از مهم‌ترین مضامین داستان‌های ادبیات اقلیمی شمال می‌داند. در داستان «مرغزار» نیز شرحی از وضعیت سربازانی که برای مقابله با مجاهدان جنگل به گیلان آمده‌اند، به دست داده شده است.

پس از «مرغزار»، در اردیبهشت ۱۳۴۴ مجله «اندیشه و هنر» داستان «چهار جهت اصلی» ابراهیم رهبر را منتشر کرد. این داستانی است موجز که فضایی «عصبی و سوررئال» دارد و وجوه دیگری از توانایی رهبر را در قصه‌نویسی نشان می‌دهد. میرعابدینی درباره این داستان نوشته: «زنانی هراسان، انگار در چنبر گردبادی مهیب گرفتار شده باشند، به خانه دکتر هجوم می‌آورند و کمک می‌طلبند. نویسنده با جمله‌های کوتاه و شتاب‌زده، موقعیت هیجانی داستان را با موفقیت القا می‌کند. دکتر از بیماری آنان سردرنمی‌آورد و سردرگم و آشفته، این بیماران جامعه شب‌زده را از خانه‌اش می‌راند: هوا ورم کرده بود. جسد داشت می‌پوسید و تجزیه می‌شد. شب در بیرون آهسته پاس می‌داد. صبح دور بود».

اما نخستین کتابی که از ابراهیم رهبر منتشر شد، «مهربانان و سه نمایش‌نامه دیگر» نام داشت. رهبر در همه آثارش به مسائل اجتماعی آن دوران توجه کرده و فقر و نابرابری‌های اجتماعی را در داستان‌هایش برجسته کرده است. رهبر یکی از داستان‌نویسان آن دوره ادبیات ایران است که در آثارشان تصویری از اعماق جامعه به دست داده‌اند. او در مجموعه داستان «سوگواران» که در سال ۱۳۵۳ منتشر شد، به فرهنگ عامه توجه کرده و از داستان به قصد توصیف‌های فولکلوریک استفاده کرده است. او در «سوگواران» شرحی از مراسم‌های عزاداری در ماه محرم در شهرهای گیلان داده و نشان داده که جایگاه طبقاتی افراد چگونه حتی در برگزاری این مراسم‌ها هم نمایان است. او در برخی دیگر از داستان‌هایش نیز به کودکان خانواده‌های فرودست، کارگران و جامعه روستایی توجه کرده است. برای مثال داستان‌هایی که در مجموعه «دود» منتشر شده‌اند، به‌روشنی تصویری از جغرافیای شمال به دست داده‌اند.

رهبر در یکی دیگر از مجموعه داستان‌هایش با نام «من در تهرانم» که در سال ۱۳۵۲ منتشر شد، به سراغ توصیف فضای شهری در دهه پنجاه رفته است. داستان‌های این مجموعه تصویری برخلاف کلیشه جعلی که در سال‌های اخیر از دوره پهلوی ساخته شده، به دست می‌دهند. داستان‌های این مجموعه فروپاشی بخش‌هایی از جامعه را در روند نوسازی یک‌سویه آن دوره نمایش داده‌اند. میرعابدینی درباره این مجموعه نوشته که در این داستان‌ها از دید یک شهرستانی سرگردان در جوّ دلمرده پایتخت، آشفتگی زندگی در تهران به‌عنوان نمونه‌ای از بی‌نظمی اجتماعی و روحی بازتاب یافته و چشم‌انداز تاریکی از شهر بزرگ ترسیم شده است: «این زندگی به دلیل بیگانگی آدم‌ها از هم، فقدان مفهوم واقعی زیست و تنهایی آدم‌ها در حصارهای آهنی و سمانی، پوچ و زهرآلود به نظر می‌رسد. احساس بطالت به آرزوی نابودی همه چیز می‌انجامد. کارمندان به صورت عکس‌هایی درمی‌آیند که در پرونده‌ها خاک می‌خورند. و ذرات خاکستری تشویش، بیهودگی و ملال آرام‌آرام نابودشان می‌کند». در داستان «درگیری» از این مجموعه، به واسطه شرحی از وضعیت یک کارمند بانک و روند بی‌کارشدنش، به مسئله سلطه بیگانگان بر جامعه ایران در آن دوره توجه شده است. در یکی دیگر از داستان‌های این کتاب، شخصیت داستان که در شهر سرگردان شده، آرزوی نابودی شهر را می‌کند: «دلم می‌خواست باد بود. باد و توفانی شدید و بنیان‌کن که زمین را به آسمان می‌پاشید، همه چیز را به هم می‌ریخت، درخت‌ها را ریشه‌کن می‌کرد و ساختمان‌ها را واژگون. آدمی مثل من و در موقعیت من و با این زندگی و در این دنیایی که من در آن هستم، دلش جز این چه می‌توانست بخواهد؟». در همین داستان می‌توان تضادهای شهری و کنار هم قرارگرفتن ثروت و محرومیت را در بناهای شهری مشاهده کرد: «این دیگر کجاست؟ بیابانی است خلوت. یک طرف آلونک‌ها قوزکرده و چسبیده به هم. و طرف دیگر ساختمان‌های چندطبقه نوساز از زمین روییده. و یک چادر با هندوانه‌های زیرش و مرد خوابیده‌ای کنار هندوانه‌ها. و دو، سه تا اتوبوس سرگردان در اینجا و آنجا».

ابراهیم رهبر همچنین از اعضای اولیه کانون نویسندگان ایران هم بود و از سال ۱۳۴۹ با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان همکاری کرد. او در سال ۱۳۵۲ به دلیل فعالیت‌های سیاسی با گرایش چپ دستگیر و زندانی شد و در سال‌های اخیر نیز در انزوا به سر می‌برد.

در حاشیه رمان «بچه آهو» ماگدا سابو

حدیث شاعرانه قربانی

شرق: ماگدا سابو، از نویسندگان شناخته‌شده قرن بیستم مجارستان، در اغلب آثارش به تنش‌ها و بحران‌های اجتماعی و تاریخی دورانش توجه کرده و تصویری از تاریخ پرتلاطم مجارستان در قرن بیستم به دست داده است. او در «خیابان کاتالین»، روایتی از روابط انسانی در تصویری بزرگ به دست داده است. در این رمان سرنوشت سه خانواده که زمانی در خیابان کاتالین در شهر بوداپست همسایه هم بودند در طول سه دهه بحرانی تاریخی به تصویر کشیده شده است. مجارستان، مثل بسیاری دیگر از کشورهای اروپایی، در نیمه نخست قرن بیستم دورانی همراه با آشوب و جنگ و نفرت را پشت سر گذاشت. در این رمان، با تصویری از وطنی که ویران شده روبه‌رو هستیم. در این اثر سابو با تصویری درخشان از مناسبات خانوادگی در دورانی آشوب‌زده و تیره‌وتار روبه‌رو می‌شویم و روایت رمان، رابطه زبان و حافظه را به‌گونه‌ای قابل توجه نشان می‌دهد. سرنوشت آدم‌های سه خانواده‌ای که در این رمان به آنها پرداخته شده با سرنوشت سیاسی و تاریخی شهرشان پیوند خورده است. اتفاقی بیرون از اراده آدم‌ها زندگی‌شان را دوپاره کرده و آنها با گذشته‌ای غیرقابل بازگشت روبه‌رو هستند. اینها همه در روایتی غیرخطی به تصویر درآمده است.

ماگدا سابو شاهد مستقیم تحولات سیاسی سال‌های بحرانی سلطه فاشیسم بوده است. در رمان «در» با شکافی میان گذشته و حال سروکار داریم. «در» با شرح خوابی غریب آغاز می‌شود. راوی داستان که زنی نویسنده است، از کابوسی مکرر سخن می‌گوید که در آن می‌کوشد دری را باز کند و بیمارش را نجات دهد اما موفق نمی‌شود.

شکاف میان گذشته و حال و شکاف میان آدم‌ها از مضامین مهم رمان دیگری از سابو با نام «بچه آهو» است. این رمان اخیرا با ترجمه نصراله مرادیانی در نشر بیدگل منتشر شده است. آن‌طور که مترجم اثر اشاره کرده، سابو در اینجا پیچیده‌ترین شخصیتش را خلق کرده است: شخصیتی با نقاب‌های گوناگون که می‌تواند با کندوکاو در اغراض و نیاتش احساسات و عواطفی متعارض را در خودش پرورش دهد، اما ظاهرا برای بیانشان و خلاصی از آنها راهی پیدا نمی‌کند. می‌تواند به شکلی خاص به عریان‌ترین حقایق درباره خودش و جهانش اشاره کند و در عین حال می‌تواند از دروغ‌گویی و نقابی که به صورت می‌زند، راضی و خشنود باشد. به بیان درونیات و نهان‌ترین احساساتش سخت نیاز دارد و هم‌زمان تمایل دارد تا از گفتن حقیقت درباره خودش امتناع کند. بار گذشته خودش، خانواده‌اش و روستایی که در آن به دنیا آمده همچنان بر دوشش سنگینی می‌کند و در عین حال، به قول خودش، با بهره‌جویی از استعدادش توانسته از سد اختلاف طبقاتی بگذرد. مترجم با بیان این توضیحات می‌پرسد آیا او واقعا توانسته این موانع را پشت سر بگذارد؟ آیا اساسا در جامعه‌ای آکنده از حسادت، رقابت و خشونت، جامعه چندتکه‌شده بعد از جنگ جهانی دوم، چنین کاری شدنی است؟ در جامعه‌ای که نظم سابق طبقات و اقشار اجتماعی زیرورو شده، تعارضات و کشمکش‌ها در ساحات گوناگون آن شکل گرفته، تجربه همکاری با آلمان نازی در زمان جنگ داشته و بعدها به نظام کمونیستی تحت تسلط شوروی تن در داده، تحول فرد چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ در رمان «بچه آهو» مصائب مجارستان و جنگ و سرکوب تحت حکومتی تمامیت‌خواه در پس‌زمینه داستانِ آدم‌ها و شخصیت اصلی اثر دیده می‌شود. رمان «بچه آهو» با این سطور آغاز می‌شود: «می‌خواستم زودتر بیایم، ولی باید منتظر یورکا می‌شدم؛ خودت بهتر می‌دانی که همیشه دیر می‌کند؛ گفته بود ساعت نُه می‌آید، ولی از یازده هم گذشته بود که تازه از در آمد تو، با اینکه همیشه کیف دکتری‌اش را همراهش دارد، همه خیال می‌کنند یا مددکار حزب است یا مسئول پخش جزوه‌های آن. درست وسط حیاط ایستاد، چند بار پشت سر هم پلک زد و دنبال پلاک ۳۹ گشت، خانه‌ای که از آنجا با او تماس گرفته بودند».

ماگدا سابو در سال ۱۹۱۷ در خانواده‌ای پروتستان و در شهر دبرسن مجارستان، ملقب به رم کالونیست، متولد شد. سابو که در کودکی پدرش با او به زبان‌های لاتین، آلمانی، انگلیسی و فرانسوی حرف می‌زد، در دانشگاه دبرسن زبان و ادبیات لاتین و مجاری خواند. در ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵ در مناطق تحت اشغال آلمان و شوروی به کار معلمی پرداخت. در سال ۱۹۴۷ نخستین آثار خود را در قالب شعر منتشر کرد؛ دو دفتر شعر با عنوان‌های «بره» و «بازگشت به انسان» که در ۱۹۴۹ جایزه باومگارتن را برای او به ارمغان آورد، اما در دوران حاکمیت رژیم کمونیستی، سابو را دشمن حزب کمونیست خواندند و این جایزه بلافاصله از او پس گرفته شد. سابو اولین رمان خود را با نام «فرسکو» در سال ۱۹۵۸ منتشر کرد. در ۱۹۵۹ رمان دیگری منتشر کرد با عنوان «آهوبره». در همین سال جایزه یوژف آتیلا به او رسید. پس از این بود که بیش از پیش به نوشتن رمان پرداخت؛ ازجمله «خیابان کاتالین» (۱۹۶۹)، «داستانی قدیمی» (۱۹۷۱) و «در» (۱۹۸۷). سابو درعین‌حال در زمینه‌های دیگری مثل ادبیات کودکان، نمایش‌نامه، داستان کوتاه و متون غیرداستانی قلم زده است. یکی از همین متون غیرداستانی نوشته‌ای است در رثای همسرش تیبور سوبوتکا که نویسنده و مترجم بود و در سال ۱۹۸۲ درگذشت. سابو یکی از اعضای آکادمی علوم اروپا بود و همچنین سرپرست سمینار الهیات کالونیستی. او سرانجام در همان شهر زادگاهش در حالی که کتابی به دست داشت در سال ۲۰۰۷ از دنیا رفت.

در بخشی دیگر از رمان «بچه آهو» می‌خوانیم: «در جنگ بمبی افتاد روی خانه‌مان و با خاک یکسانش کرد؛ بی‌اینکه خودت بدانی، همیشه دوست داشتم آنجا را نشانت بدهم -دوست داشتم قیافه‌ات را زیر نظر بگیرم و ببینم وقتی از خیابان گریک عبور کردیم و به سمت نیزار روانه شدیم چه می‌گویی. خیابان ما اسم نداشت؛ اسمش را گذاشته بودیم باراگ. درست در آستانه شهر بود، در آستانه دشت سیلابی، جایی که مردم می‌آمدند و نی‌ها را می‌بریدند و در دسته‌های بزرگ روی پشتشان حمل می‌کردند. بعد از سیل بزرگ سال ۱۸۰۳ تخته‌سنگ‌های بزرگی آنجا گذاشته بودند؛ خطر سیل در این نقطه از شهر بیش از هر جای دیگری بود و تخته‌سنگ‌ها را تا ارتفاع بلندی روی هم انباشته بودند. در دشت مسطح زیر سد و تا جایی که چشم کار می‌کرد، خانه‌ها مثل لانه پرنده‌ها تنگ هم قرار داشتند؛ و بین سنگ‌ها علف خودرو درآمده بود، گیاهی پرپشت و سرسبز از تیره نعناع».

بچه آهو
ماگدا سابو
ترجمه نصراله مرادیانی
نشر بیدگل

عطف

معماهای مارگریت دوراس

شرق: مبارزه‌ای دائم برای چیره‌شدن بر ملال زندگی روزمره که فضای عدم ارتباط آدم‌ها را می‌سازد، از مهم‌ترین مضامین آثار دوراس به‌خصوص در رمان «می‌گوید ویران کن» است. مارگریت دوراس، از نویسندگان شاخص قرن بیستم، در چهارم آوریل ۱۹۱۴ از پدر و مادری فرانسوی در سایگون متولد شد. پدرش معلم ریاضیات و مادرش معلم دبستان بود. دوراس نوجوانی‌اش را در هندوچین گذراند و در هجده‌سالگی برای تحصیلات دانشگاهی به پاریس رفت و از سال ۱۹۴۰ به نویسندگی مشغول شد. او در سال ۱۹۴۴ عضو حزب کمونیست فرانسه شد اما در سال ۱۹۵۰ از حزب اخراج شد. دوراس آثار زیادی منتشر کرده که از میان آنها، به‌خصوص با دو اثر «مداراتو کانتابیله» و همچنین فیلم‌نامه «هیروشیما عشق من» به شهرتی جهانی رسید. «مداراتو کانتابیله» سال‌ها پیش با ترجمه رضا سیدحسینی به فارسی منتشر شده بود و برخی دیگر از آثار دوراس نیز در این سال‌ها به فارسی برگردانده شده‌اند که از میان آنها می‌توان به چند ترجمه قاسم روبین اشاره کرد. «می‌گوید ویران کن» سال‌ها پیش با ترجمه فریده زندیه به فارسی منتشر شده بود و اخیرا چاپ تازه‌ای از آن توسط نشر نو منتشر شده است. مترجم در یادداشت ابتدایی‌اش توضیحاتی درباره سبک کلی آثار دوراس داده که به درک بهتر اثر کمک می‌کند. او به این نکته اشاره کرده که در آثار دوراس و خصوصا در رمان «می‌گوید ویران کن» رویداد رمان واقعه یا وقایع خاصی نیستند که خواننده را صرفا مجذوب کنند یا دلسرد سازند، یعنی او را گذرا تحت تأثیر قرار دهد. در رمان دوراس با هیچ اتفاقی روبه‌رو نمی‌شویم که بی‌اراده در بستر آن بغلتیم بلکه درست برعکس، باید با تلاش فکری خود به روی‌دادن رویداد کمک کنیم و به نوعی راه یا راه‌هایی برای تحقق رویداد بیابیم.

همچنین در رمان دوراس توصیف موقع و وضع رویداد غالبا ناروشن و در بسیاری از موارد کاملا مبهم است. مترجم نوشته که خواننده باید به کوشش خود کشف کند چه کسی در کجا فلان حرف را می‌زند، با چه کسی می‌زند، معنای حرفش چیست و چرا آن کس چنین حرفی می‌زند. او می‌گوید شیوه‌ای که در ترجمه به سبب عدم امکانات زبان فارسی اتخاذ شده، با مشخص‌ساختن نسبی اشخاص، جزئی از این مشکل را اضطرارا حل می‌کند اما بُعد معمایی رویداد از آغاز تا پایان به قوت خود باقی می‌ماند. کار خواننده البته این نیست که معمایی در این رویداد حل کند، بلکه این است که معما را هرچه عمیق‌تر بفهمد و این معما برای دوراس ارتباط آدم‌ها است. «می‌گوید ویران کن» این‌گونه آغاز می‌شود: «هوا گرفته است. دریچه‌ها بسته است. از سمت سالن غذاخوری پارک دیده نمی‌شود. ولی آن زن می‌تواند ببیند. او نگاه می‌کند. میزش درست با لبه آستانه دریچه مماس است. به سبب روشنایی آزارنده زن چشم‌هایش را جمع کرده است، نگاهش پس و پیش می‌شود. مشتریان دیگر هم جریان بازی‌های تنیس را که آن زن نمی‌بینند، نگاه می‌کنند. مرد نخواسته بود که میزش را عوض کنند. زن نمی‌داند که دارند نگاهش می‌کنند. امروز صبح طرف‌های ساعت پنج باران آمده بود. امروز در هوای نمناک و سنگینی است که توپ می‌زنند. زن لباس تابستانی به تن دارد».

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی* یک مرحله ای* شماره ۱۴۰۴/۱۲ همراه با ارزیابی کیفی

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان چهار محال و بختیاری
(سهامی خاص) شماره ثبت: ۵۵۰۰

۱- **مناقصه گزار :** شرکت گاز استان چهار محال و بختیاری
۲- **موضوع مناقصه:** تعمیر رگولاتور در سایزهای مختلف
۳- **شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری در نظر دارد:** مناقصه موضوع فوق را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.setadiran.ir انجام خواهد شد.
لازم به ذکر است کد فراخوان در پایگاه ملی مناقصات ۵۳۱۹۳۹۵۹ می باشد.
۴- **تاریخ انتشار مناقصه در سامانه :** ساعت ۱۲روز چهار شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۱ می باشد.
۵- **مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت:** تا ساعت ۱۸ روز سه شنبه تاریخ۱۴۰۴/۰۳/۲۷ می باشد.
۶-**مهلت زمانی ارائه پیشنهاد:** تا ساعت ۱۸ روزسه شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۰ می باشد.
۷- **تاریخ بازگشایی پاکت ارزیابی مناقصه :** ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۱
۸- **تاریخ بازگشایی پاکت پیشنهاد :** ساعت ۸روز چهار شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۸
۹- **نوع و مبلغ تضمین فرایند ارجاع کار :** یکی ازتضامین معتبر درآیین نامه تضمین معاملات دولتی مصوبه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات محترم وزیران به مبلغ ۲,۱۸۶,۰۰۰,۰۰۰(دو میلیارد و صد و هشتادو شش میلیون) ریال میباشد.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت های الف: آدرس شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری واقع در شهرکرد ـ خیابان فارابی شمالی به شماره تلفن ۳۲۲۸۲۸۶۸-۰۳۸ (داخلی ۲۰۸۱)
چاپ نوبت اول: روز چهارشنبه ۱۴۰۴/۰۳/۲۱
چاپ نوبت دوم : روز یکشنبه ۱۴۰۴/۰۳/۲۵
شناسه آگهی : ۱۹۴۷۲۱۵

روابط عمومی شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری
۲۰۷۶

نوبت دوم

آگهی عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران – مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره ۱۴۰۳/۷۹۲ م م ت با شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۹۳۵۶۷۰۰۰۰۳۲

شرکت ملی نفت و گاز ایران
شرکت نفت و گاز اروندان(سهامی خاص)

شرکت نفت و گاز اروندان (خریدار) در نظر دارد کالای موضوع فوق را از طریق شرکتهای تولید یا تأمین کننده واجد صلاحیت خریداری نماید. بدین وسیله از کلیه شرکت هایی که دارای شرایط ذیل می باشند دعوت می گردد اسناد و مدارک خود را بر اساس استعلام ارزیابی کیفی، برای ارزیابی و تعیین صلاحیت به این امور ارسال نمایند:
الف- موضوع مناقصه عبارت است از تامین لوله و اتصالات جهت ریبویلر
ب- مدت اجرای قرارداد از تاریخ شروع بکار: ۶ ماه
ج- برآورد مبلغ کل مناقصه ۱۷۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه از نوع سپرده (واریز وجه نقد) و یا ضمانتنامه بانکی معتبر به میزان ۸,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال است.
د- معیارهای ارزیابی کیفی:
۱- توان مالی
۲- ارزیابی مشتریان قبلی و حسن شهرت
۳- استانداردهای تولید
۴- داشتن تجربه و دانش در زمینه مورد نظر
۵- تضمین کیفیت خدمات و محصولات
۶- حسن سابقه
هـ: کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت) ستاد(به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۱۴۰۴/۰۰/۰۰ می باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد
و: علاوه بر سازندگان داخلی، تأمین کنندگان کالای اصلی نیز می توانند در مناقصه فوق شرکت نمایند.
بدیهی است انتشار این آگهی صرفاً به منظور شناسایی و ارزیابی متقاضیان طبق قانون برگزاری مناقصات بوده و ارسال اسناد و مدارک فوق الذکر هیچگونه حقی برای متقاضیان در مقابل این شرکت ایجاد نمی کند. ضمناً هزینه درج آگهی بعهده برنده مناقصه است. متقاضیان در صورت داشتن هرگونه سوالی می توانند با شماره تلفن های ذیل تماس بگیرند.
تلفن تدارکات و امور کالا : ۰۶۱۳۲۱۲۳۰۸۷
نمابر تدارکات و امور کالا : ۰۶۱۳۲۱۲۳۸۰۴
تلفن دفتر هماهنگی تهران: ۰۲۱۸۸۹۰۱۰۵۰
آدرس وب سایت: AOGC.IR
پست الکترونیکی: Tenders@aogc.ir
شناسه آگهی : ۱۹۴۰۲۷۹
نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۳/۱۸ نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۳/۲۱

روابط عمومی شرکت نفت و گاز اروندان
۲۰۰۲